

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد      بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم      از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۸ جون ۲۰۱۹

## در ضریب هوش "عبدالله" از "خر" عقب ماند!

دوشنبه- ۲۷ جوزا ۱۳۹۸ - کابل: به اجازه شما خوانندگان گرامی، یادداشت امروز را با یک فکاهی خیلی ها کهنه اما مشهور آغاز می نمایم:

گویند روزی چند تن از جوانان جهت تفریح و در عین حال مشاهده زندگانی حیوانات در غل و زنجیر انسانها، به باغ وحش رفتند. به هر جایی از باغ و مقابل هر پنجره ای که ایستاده شدند، دیدند تمام حیوانات می خندند. با عبور از هر پنجره و قفس و مشاهده خنده حیوانات داخل آن بر تعجب همه آنها افزوده می شد تا رسیدند مقابل ساحه ای که برای "خر" آماده شده بود. در آنجا خر را سر گرم چریدن دیدند. با آن که این وضعیت سؤالاتی در ذهن شان به وجود آورده بود، مگر از کسی چیزی نپرسیدند. زیرا می ترسیدند که اگر راجع به علت خنده حیوانات از کسی چیزی بپرسند، شاید متهم شوند که آنها در "فرهنگ عاشورائی" تربیت شده اند و ضد خنده اند.

هفته بعد همین جمع باز هم به باغ وحش آمدند. اولین و بارزترین تفاوتی که بین بار اول و این بار وجود داشت، آرام بودن و به زندگی عادی حیوانی خود مصروف بودن حیوانات بود. یعنی یکی از فرط گرسنگی دراز کشیده بود، آن دیگری از زندگی در غل و زنجیر و اسارت خسته شده خمیازه می کشید، آن دیگری با دم خودش بازی می نمود و ... وقتی جمع مقابل میدان زندگانی "خر" رسیدند، دیدند که خر نه تنها با خنده های بلندش گوش فلک را کر می کند بلکه بر روی علفها لوت زده و یک لحظه جلو خنده اش را گرفته نمی تواند.

دو حالت متضاد، جوانان را واداشت تا خطر هر نوع اتهام را به جان خریده، علت را جویا شوند. سرپرست خورد و نوش حیوانات باغ وحش در جواب گفت:

"هفته قبل "میمون" یک فکاهی گفت و در نتیجه تمام حیوانات را به خنده انداخت. اینک که "خر" می خندد، دلایلش همان فکاهی است. فقط مشکل در فهم فکاهی است. یعنی برای فهمیدن فکاهی "خر" یک هفته نیاز داشت تا با درک معنایش به خنده بیفتد.

هموطنان گرامی!

فکاهی هر چند کهنه و تکراریست و فکر نمی کنم کسی جهت فهمش یک هفته نیاز داشته باشد، مگر مطمئن باشید موضوع ارتباطش کاملاً بکر و تازه و به همین امروز تعلق می گیرد. آنهم در مورد "عبدالله عبدالمود":

اگر به اخبار روز گوش داده باشید، حتماً متوجه شده اید که در سرخط اخبار امروز، موضعگیری "عبدالله" بعد از حدود دوهفته در قبال رهائی زندانیان امنیتی به فرمان "غنی احمدزی" می باشد. امروز "عبدالله" با طمطراق و با همان ناز های همیشگی اش حین صحبت، گفت:

"رهائی زندانیان طالب از سوی حکومت را باید حسن نیت به خاطر تأمین صلح در کشور دانست؛ هرگاه این اقدام به هدف کمپاین های انتخاباتی صورت گیرد، مؤثریت نخواهد داشت."

در این یادداشت به این نکته نمی پردازم که این کار درست بوده و یا غلط، چون قبلاً در موردش به تفصیل نگاشته ام، آنچه برای من مهم است تذکر دو هفته بعد "عبدالله عبدالمود" راجع به تصمیم شریک قدرتش در حکومت می باشد. چه علی رغم آن که همان دو هفته قبل وقتی "غنی احمدزی" آنهمه زندانی امنیتی را از بند رها نمود، تمام کاندید های دیگر زبان به انتقاد گشودند و "غنی احمدزی" را متهم ساختند که جهت کمپاین انتخاباتی خودش با خون و جان باشندگان این سرزمین بازی می نماید، از سنگ صدا بلند شد از "عبدالله" نه. اینک وقتی بعد از دو هفته می خواهد قضیه را تلویحی انتقاد نماید آنهم انتقاد دو جانبه، هم "غنی احمدزی" و هم مخالفانش را که چرا بر "حسن نیت" حاکمیت شک کرده اند، می باید از خود و دیگران پرسید:

۱- آیا قضیه به درک "خرگونه" از قضایا بر می گردد و "عبدالله" بعد از دوهفته موضعگیری می نماید؟ یعنی در حالی که "خر" برای فهم یک قضیه یک هفته نیاز داشت، "عبدالله" برای درک عمق یک مسأله نیازمند دو هفته است؟

۲- آیا از بابت رهائی زندانیان "چیزکی" برای حاکمیت پیشکش شده بود و اینک که "تنهاخوری" صورت گرفته، صدای "عبدالله" بلند شده است؟

۳- آیا باز "غنی احمدزی" او را "غولانده"، افرادی را که "عبدالله" می خواست رها شوند، رها نکرده است؟

۴- آیا در اساس کسی از وی به مثابه شریک قدرت چیزی نپرسیده و بدین وسیله در عمل ختم شراکت توسط "غنی احمدزی" اعلام شده است؟

۵- آیا "عبدالله" با بحث در مورد "حسن نیت" حاکمیت، خود نیز به کمپاین انتخاباتی آغاز نموده و بدین وسیله به طالب پیام می دهد، که من هم هستم و در رهائی تان نقش داشته ام؟

هموطنان گرامی!

همان طوریکه بارها تذکار داده ام باید باز هم بنویسم: یک مشت وطنفروش وابسته به امپریالیسم و ارتجاع هار مذهبی کشور و مردم ما را به گروگان گرفته اند و هر روزی که عمر ننگین شان ادامه می یابد، خیانت و ظلم دیگری در حق کشور و مردم آن می نمایند، تاریخ در تمام جهان به اثبات رسانیده که نجات از چنین مصایبی به جز نابودی قهری چنین نظامهایی راه دیگری ندارد.

**سرکها ما را می طلبد!!**